



# تحلیل رویکرد مسالمت‌آمیز امام علی (علیه السلام) در جنگ‌ها

دریافت: ۱۴۰۲/۴/۱۴ پذیرش: ۱۴۰۲/۸/۲۵

عیسی ملاشاهی زارع<sup>۱</sup>

## چکیده

از مهم‌ترین خواسته‌های اسلام برای بشریت، وجود زندگی مسالمت‌آمیز و نفی خشونت و خونریزی است. امام علی (علیه السلام) نیز به عنوان شخصیت ممتاز اسلامی، نقشی ویژه و بسیار مهم در جنگ‌های زمان رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) داشت و در اکثر آن‌ها مهم‌ترین عامل پیروزی سپاه اسلام و شکست دشمن بود و همچنین با توجه به مسائلی که در زمان خلفا پیش آمد و نیز نظر به جنگ‌های زمان خلافت‌شان، این پرسش مطرح می‌شود که، مسالمت در نگاه ایشان چه جایگاهی داشت و رویکرد مسالمت‌آمیز حضرت چگونه توجیه می‌شود؟ چنان‌که عده‌ای از جمله بنی‌امیه و مخصوصاً معاویه و طرفدارانش، حضرت را متهم به جنگ‌طلبی و آشوبگری می‌کردند. در این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی، نگاه و عملکرد مسالمت‌آمیز حضرت علی (علیه السلام) بر مبنای کلام ایشان با تکیه بر نهج البلاغه و منابع تاریخی بررسی و تبیین شده است. از جمله نتایج این تحقیق دستیابی به عملکرد مشفقانه و نگاه مسالمت‌اندیش حضرت در زمان حیات رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و بعد از وفات ایشان در تعامل با خلفا و نیز در مدت حاکمیت‌شان، بر مبنای کتب تاریخی و نهج البلاغه است.

**کلیدواژه‌ها:** سیره امام علی (علیه السلام)، رویکرد مسالمت‌آمیز، نهج البلاغه، جنگ.

۱. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی زاهدان، زاهدان، ایران: mollashahi@mail.quran.ac.ir

## ۱. مقدمه

جهان امروز، جهان تکنولوژی و فناوری‌های نوین است و در این زمینه، روند تکاملی و رو به رشد سریعی دارد، مخصوصاً در زمینه‌ی رسانه و ارتباطات مردم و جوامع با هم‌دیگر و نیز مسئله‌ی جهانی شدن و نظم نوین جهانی و تغییرات ایجاد شده در سبک زندگی انسان‌ها و تاثیراتی که بر نسل جوان جوامع خواهد داشت. به این دلیل، تبیین حقایق و واقعیت‌ها، برای درک درست جامعه‌ی بشری از ماهیت اسلام و شخصیت‌های اسلامی، لازم و ضروری به نظر می‌رسد؛ اما تاکنون اولاً در ارتباط با شخصیت مسالمت جوی امام علی (علیه السلام) تحقیقات علمی شایسته‌ای صورت نگرفته و ثانیاً امروزه به خاطر هجوم فرهنگی گسترده‌ی نظام سلطه‌ی جهانی به مبانی اسلام و همچنین، پروژه‌های اسلام‌هراسی‌شان و تروریست‌پنداشتن حکومت‌های دینی در نقاط مختلف جهان و نیز شیعه‌هراسی مخصوصاً در میان سلفیان و وهابیت، ضرورت تحقیق و پژوهش‌های عالمانه در این زمینه را لازم و مُسَلِّم می‌سازد.

امام علی (علیه السلام) به عنوان شخصیت بی‌بدیل جهان اسلام، زندگی‌اش سراسر دفاع و حمایت از اسلام و مبارزه با کافرین و مشرکین بود و در اکثر جنگ‌های زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به عنوان قهرمانی بی‌نظیر حضور داشت. تاریخ حیات حضرت علی (علیه السلام) با تمام فراز و نشیب‌هایش، مدرسه‌ی عالی اخلاق الهی است که به بشریت تا ابد درس عزت و کرامت و آزادگی می‌دهد. در این مدرسه شکست و خسارت معنی ندارد، بلکه هر رویدادش ارائه‌ی الگویی ارزشمند و مهم برای ثبت بر صفحه تاریخ بشری است. شخصیت آسمانی امام (علیه السلام) همواره خواهان صلح و صفای توده‌ی مردم بود و اگر به ناچار جنگ می‌کرد، مقابله با فتنه انگیزی و جنگ افروزی، برای احقاق حق و ادای وظیفه الهی بود. حضرت در مدت کوتاه حکومتش، بهترین الگو و زیباترین چهره‌ی حکومت الهی مبتنی بر کرامت و ارزش‌های انسانی را بر صفحه تاریخ بشری ماندگار کرد. این حکومت اگر چه در تاریخی بسیار کوتاه رقم خورد؛ اما ترازوی حق و عدالت را ترسیم کرد و خود زبانه‌ی عدل این میزان شد. سیاست کلی امام (علیه السلام)، که رویکردی مسالمت‌آمیز و دور از جنگ و خشونت

بود، از کلام حضرت به مالک اشتر مشخص می‌شود، حضرت می‌فرماید: «و از سپاهیان خود کسی را به کار بگمار که آزار و شکنجه مردم و جنگ را دوست نمی‌دارد» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). این پژوهش در پی تبیین و تفهیم اندیشه مسالمت‌جو و رویکرد مسالمت‌آمیز حضرت علی (علیه السلام) در مبارزاتش است. از جایی که قبول رویکرد مسالمت‌جویی حضرت برای برخی اذهان سنگین است، به ناچار برای حصول به این منظور، محور بحث بر مبنای کلام خود حضرت و منابع تاریخی معتبر و بعضاً توصیفی آمده، گر چه تحلیل‌های لازم هم صورت گرفته است.

### ۱-۱. پیشینه

در زمینه رویکرد مسالمت‌آمیز حضرت علی (علیه السلام) در جنگ، کتاب و مقاله‌ای مستقل با این عنوان مشاهده نشد. آنچه نزدیک به این موضوع می‌تواند باشد، کتابی از محمد مهدی شمس‌الدین (۱۳۶۴) است که در آن مؤلف دیدگاه‌های امام (علیه السلام) را در مورد اصول و چارچوب‌های کلی مسائل جنگ و صلح بررسی و تلاش کرده نظر حضرت علی (علیه السلام) را درباره زندگی مسالمت‌آمیز اقوام و دولت‌ها در کنار هم بیان کند و اینکه از نظر امام (علیه السلام) جنگ تنها به عنوان راهکاری تدافعی و اجباری برای تأمین امنیت جامعه اسلامی پیش‌بینی شده است. همچنین مسائل و احکام جنگ از دیدگاه امیرالمؤمنین (علیه السلام)، جنگ و روحیه دادن به سربازان، رعایت حقوق انسانی در جنگ، آموزش‌های رزمی و اخلاق رزمی از دیگر مطالب این کتاب است. همچنین علی‌یوسف نورالدین (۱۴۲۳ ق) در مقاله‌اش ضمن اشاره به شخصیت امام علی (علیه السلام) در تاریخ اسلام و علاقه‌اش به پیامبر (صلی الله علیه و آله) راجع به آرا و اندیشه‌های آن حضرت در مورد موضوعاتی چون جهاد در راه خدا، دفاع از حقیقت، تبلیغ و هدایت مردم، شجاعت در جنگ، شناخت آرایش سپاه خصم و اطلاع از اهداف و عملیات دشمن بحث کرده و به تشریح عوامل مهم پیروزی در جنگ از نگاه امام علی (علیه السلام) پرداخته است. وی هر چند در بخش پایانی به آداب و شرایط صلح و ذکر پاره‌ای از حوادث و مسائل دوران خلافت امام علی (علیه السلام) اشاره کرده است اما رویکردش بیشتر به اهمیت جهاد و عوامل پیروزی در جنگ از دیدگاه حضرت علی (علیه السلام) است.

ملاحاهی زارع، امین ناجی و میردامادی (۱۳۹۷) هم در مقاله‌ای با تبیین صلح از نگاه امام علی (علیه السلام)، جنگ‌های حضرت را به فرمان خدا و رسول دانسته و با نقد نظر ابن تیمیّه، برخی از دلایل صلح جویی امام (علیه السلام) در جنگ‌های دوران زمامداری‌شان را بیان کرده‌اند. محسنی (۱۴۰۰) نیز در مقاله‌ای چند مورد از شرایط صلح از نگاه امام علی (علیه السلام) را بیان کرده است، از جمله؛ در نظر گرفتن رضای خداوند، آرامش مردم، آسایش سربازان، پایبندی به پیمان، پرهیز از فریبکاری، شفاف بودن معاهده، پیمان برد برد، اسلامی و بهرامی عین القاضی (۱۳۹۳) با مطالعه موردی نامه امام علی (علیه السلام) به مالک اشتر، ضمن تأکید بر صلح در اندیشه سیاسی امام (علیه السلام) این نکته را تأکید کرده‌اند که در نهج البلاغه، تکنیکی‌ترین و حکیمانانه‌ترین گزاره‌ها در باب سامان دهی قدرت ابراز شده است و نامه‌های امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه، تکنیک‌های اصیل و کاربردی حکمرانی را تشریح کرده است. آنان از منظر پدیدارشناسی برخی تکنیک‌های صلح از دید آن حضرت را به اختصار مورد بررسی قرار داده‌اند.

## ۱-۲. مفهوم مسالمت

«مسالمه» بر وزن «مفاعله»، مشتق از ریشه‌ی «سلم» است. یکی از معانی باب مفاعله مشارکت است، به معنی مشارکت در ایجاد سلم و زندگی مسالمت‌آمیز. اکثر لغت‌شناسان معنای شایع سلم را «اسلام، استسلام و انقیاد» بیان کرده‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲: ۲۹۳). ایشان «سلم» را به معنی «صلح» نیز معنا کرده‌اند. «والسَّلْم: الصلح» (همان). اما بین «صلح» و «سلم» تفاوت‌های زیادی وجود دارد از جمله، واژه صلح، بیشتر برای مدارا و عدم جنگ استفاده شده است؛ اما واژه سلم گستره‌ی معنایی وسیع‌تری دارد. در قرآن واژه سلم به مدارا در سایه تسلیم اوامر الهی و اطاعت از دستورات او اشاره دارد؛ در حالی که واژه صلح تنها مفهوم مدارا و عدم جنگ را بیان می‌دارد و در واقع بعد از شروع جنگ معنا پیدا می‌کند؛ در حالی که سلم بدون وقوع جنگ نیز کاربرد دارد و تعاون و زندگی مسالمت‌آمیز جمع‌ی را نیز شامل می‌شود. لذا معنی سلم برای صلح، از باب تغلیب کاربرد پیدا کرده است.

در ارتباط با امام علی (علیه السلام) مراد از مسالمت‌آمیز بودن عملکرد حضرت، این است که ایشان چه در زمان حیات رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و چه بعد از آن، ضمن اینکه قهرمان دفاع از اسلام و پیامبر بود، هیچگاه از جانب آن حضرت تمایلی به جنگ و خشونت و یا عملی که منجر به خشونت شود مشاهده نشد. حضرت برای یاران خود در هنگام مواجهه با دشمن، شرایط و مقرراتی ترسیم می‌کرد که در حقیقت تار و پود آن را مهر و محبت و صلح و صفا تشکیل می‌داد. دوران کوتاه حکومت حضرت، سه جنگ بزرگ بر او تحمیل شد که نهایت تلاش امام جلوگیری از جنگ و خونریزی بود. علی (علیه السلام) حتی در مواجهه با دشمنان نیز پایبند اصول و قواعدی بود که بیانگر ماهیت خیرخواهی و مسالمت‌جویی ایشان است.

## ۲. بررسی رویکرد مسالمت‌آمیز در سیره و کلام امام علی (علیه السلام)

در نگاه امام علی (علیه السلام) آرامش و زندگی مسالمت‌آمیز مردم از نیازهای ضروری جامعه‌ی بشری و مهم‌ترین وسیله برای ایجاد عدالت اجتماعی و یکی از اساسی‌ترین اهداف ارسال رسل است که با هدف خلقت و سیر تکوینی نظام آفرینش نیز مرتبط است. حضرت در حال نیایش می‌فرماید: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنِ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافِسَةً فِي سُلْطَانٍ وَلَا التَّمَاسِ شَيْءٍ مِنْ فَضُولِ الْحُطَامِ وَ لَكِنْ لِنَرِدَ الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ وَ نُظْهِرَ الْإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ فَيَأْمَنَ الْمُظْلَمُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَ تُقَامَ الْمُعْطَلَةُ مِنْ حُدُودِكَ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱): خداوند، تو می‌دانی که کوشش ما در موضع خلافت برای رقابت در سلطه‌گری و به‌دست آوردن چیزی از متاع محقر دنیا نیست، بلکه برای آن است که می‌خواهیم نشانه‌های حق و دین‌تورا به جایگاه خویش باز گردانیم و در شهرهای تو اصلاح را ظاهر و آشکار کنیم تا بندگان ستم‌دیده‌ات در امن و آسایش باشند و حدود الهی که متروک مانده، به جریان بیفتند.

همچنین حضرت خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «وَلَا تَدْفَعَنَّ صَلْحًا دَعَاكَ إِلَيْهِ عَدُوُّكَ وَلَلَّهِ فِيهِ رِضَىٰ فَإِنَّ فِي الصُّلْحِ دَعَاً لِحُجُودِكَ، وَرَاحَةً مِنْ هُمُومِكَ، وَأَمْنًا لِبِلَادِكَ» (همان، نامه ۵۳)؛ هرگز صلحی را که از جانب دشمن پیشنهاد می‌شود و رضای خدا در آن است

رد مکن، زیرا در صلح برای سپاهت آرامش (و سبب تجدید قوا) و برای خودت مایه راحتی از هم و غم‌ها و برای کشورت موجب امنیت است. امام (علیه السلام) ایجاد صلح و آرامش جامعه را از بهترین اعمال و اقدامات می‌داند. می‌فرماید: «مِنْ أَحْسَنِ النَّصِيحِ الْإِشَارَةُ بِالصُّلْحِ» (لیثی، ۱۳۷۶: ۴۷۰)؛ بهترین نصیحت‌ها راهنمایی کردن به صلح است. امام علی (علیه السلام) در آخرین لحظات عمر شریفش بعد از ضربت خوردنش در محراب نماز، به فرزندانش چنین سفارش فرمود: «من شما و تمام فرزندان و خاندانم و کسانی را که این وصیت‌نامه‌ام به آنها می‌رسد به تقوای الهی و نظم در کارها و اصلاح ذات‌البین توصیه می‌کنم، زیرا من از جدّ شما شنیدم که می‌گفت: «اصلاح میان مردم از تمام نمازها و روزه‌ها برتر است» (نهج البلاغه، نامه ۴۷). همچنین برای جلوگیری از خونریزی و برای اجرای عدالت فرمود: «ای فرزندان عبدالمطلب! نکنند بعد از مردن من (به بهانه قتل) در خون مسلمانان فرو روید و بگویید: امیرمؤمنان کشته شد. آگاه باشید جز قاتل من را به سبب قتل من نکشید. زیرا، رسول خدا ﷺ ایجاد مسالمت و آرامش بین مردم را از انجام نماز و روزه بالاتر دانسته و فرموده است: «أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَفْضَلِ مِنْ دَرَجَةِ الصِّيَامِ وَالصَّلَاةِ وَالصَّدَقَةِ؟ إِصْلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ فَإِنَّ فُسَادَ ذَاتِ الْبَيْنِ هِيَ الْحَالِقَةُ» (متقی هندی، ۱۴۰۵ ق، ج ۳: ۵۸)؛ آیا به شما خبر بدهم به چیزی که از درجه روزه و نماز و صدقه (وزکات) بالاتر است؟ آن اصلاح ذات‌البین است، زیرا فساد و اختلاف در میان مردم نابوده کننده است.

نیت خیرخواهانه و مسالمت‌جویانه‌ی حضرت علی (علیه السلام) قبل از شروع جنگ جمل، از این ماجرا روشن می‌شود؛ زمانی که امام علی (علیه السلام) خواست از ریزه به سمت بصره حرکت کند، ابن‌رفاعه بلند شد و گفت: ای امیرمؤمنان چه تصمیمی داری؟ ما را کجا می‌بری؟ امام فرمود: نیت و قصد ما صلح و مسالمت است؛ اگر ما را جواب دهند و قبول کنند. ابن‌رفاعه گفت: اگر آنها قبول نکردند با ما تن به مسالمت دهند و صلح کنند چه؟ حضرت فرمود: آنها را با عذرهایشان رها می‌کنیم و مطالباتشان را می‌دهیم و صبر می‌کنیم. ابن‌رفاعه گفت: اگر آنها باز هم راضی به صلح نشدند چکار خواهی کرد؟ حضرت فرمود: تا زمانی که به ما کاری نداشتند با آنان کاری نداریم. گفت: اگر آنها ما را رها نکردند چه؟ فرمود: خویشتن داری خواهیم کرد و از خود دفاع می‌کنیم (طبری، ۱۳۸۷ ق، ج ۴:

۴۷۹). امام علی (علیه السلام) قبل از شروع جنگ جمل، برای جلوگیری از درگیری و ایجاد صلح با طلحه و زبیر، بدون این که با خود سلاحی حمل کند، به مذاکره رفت (ابن قتیبه، ۱۴۱۰ ق، ج ۱: ۹۳).

طبق گزارش مسعودی، هنگامی که سپاه حضرت در محله زاویه فرود آمدند، امیرالمؤمنین (علیه السلام) چهار رکعت بر آنها نماز گزارد سپس صورتش را بر خاک مالید به گونه‌ای که با اشک‌هایش در هم آمیخت و سپس سرش را بلند کرد و فرمود: «بار خدایا! خون مسلمانان را حفظ کن». سپس آن حضرت کسانی را نزد آنها فرستاد تا آنان را سوگند دهد که دست از جنگ بردارند اما آنها از هر کاری جز جنگ سر باز زدند (مسعودی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۳۷۱).

در جنگ جمل امام (علیه السلام) پیروز میدان شد؛ اما این پیروزی او را شادمان نکرد؛ بلکه این ماجرا و خون‌های ریخته شده‌ی برادران مسلمان به دست یکدیگر او را سخت اندوهگین کرده بود و بر کشته‌های طرفین اشک ریخت. حضرت در حالی که اشک در چشمانش حلقه زده بود، خطاب به (جنازه‌ی) طلحه چنین فرمود: ابومحمد (طلحه) در این مکان، غریب مانده است (و جسد بی‌جان‌ش در وسط بیابان افتاده). بدانید به خدا قسم، من خوش نداشتم که اجساد قریش در زیر این آسمان بر روی زمین افتاده باشد» (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۹). همچنین فرمود: به خدا قسم دوست داشتم بیست سال پیش از این مرده بودم و چنین روزی را نمی‌دیدم (طبری، ۱۳۸۷، ق، ج ۴: ۵۳۷). این‌ها دلایل قابل توجه و محکمی بر رویکرد مسالمت‌آمیز امام (علیه السلام) در مبارزات‌شان می‌باشد.

در مسائل اجتماعی و ارتباط با مردم نیز حضرت با رویکردی مسالمت‌آمیز، هم خودش مظهر رأفت و عطوفت بود و هم دیگران را به این امر فرامی‌خواند. از جمله:

## ۲-۱. مهرورزی و اهتمام به حفظ کرامت انسان

از جلوه‌های والای حکومت علوی، ارج نهادن به مردم و توجه به عزت و کرامت عموم آنان

است. هدف حضرت از به دست گرفتن حکومت این بود که در میان مردم کرامت‌های اخلاقی و ارزش‌های انسانی زنده و به آنان فهمانده شود که تکریم هر انسانی جدای از عقیده و مذهب، بر همگان لازم و واجب است. «امام علی (علیه السلام) به کارگزاران سفارش می‌کرد که با مردم مهربان باشند و با آنها ارتباط مستقیم داشته باشند؛ شخصاً با آنها دیدار کنند و از مشکلاتشان آگاه شوند. می‌فرماید: مردم، غالباً رنج کشیده‌اند، درد دیده‌اند و بر آنها ستم روا شده است. بدین جهت، اگر فرصتی برای واگویی دردها و رنج‌ها پیدا کنند، شاید به درشتی سخن بگویند. لذا به کارگزاران خویش سفارش می‌کند تا لحن درشت و گاه کج‌خُلقی‌ها و تلخی‌ها و برخوردهای ناصواب مردم را تحمل کنند؛ هرگز در برخورد با آنان، خشم نگیرند؛ با چهره‌ای خندان و کلامی مهربان با مردم برخورد کنند و اگر بر لغزش‌هایی از مردمان آگاه شدند که در پنهان و به دور از دیده‌ی مردم انجام داده‌اند، در مورد آنها تفحص نکنند» (محمدی ری شهری، ۱۳۹۰: ۶۶). علی (علیه السلام) در نامه‌ای به فرماندهانش، ضمن یادآوری برابری انسان‌ها با هم، بر لزوم برخورد کریمانه با مردم همچون ارتباط پدر فرزندی، دعوت کرده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۳۲: ۴۱۶). امام (علیه السلام) در پاسداشت حرمت انسان‌ها هنگام اعزام سپاهیان به جنگ، به نیروها توصیه می‌کند که از مزاحمت مردم جز در موارد ضرورت خودداری کنند (ابن مزاحم، ۱۴۰۴: ج ۱: ۱۲۶). نیز حضرت به مردم شهرهایی که در مسیر عبور نیروها بودند، نامه می‌نوشت و ضمن عذرخواهی از اینکه ممکن است لشکریان موجبات زحمت برای‌شان باشند توصیه می‌فرمود، اگر کسانی از سپاهیان تخلف کردند، شکایت آنها را به امام برسانند (نهج البلاغه، نامه ۶۰). برای احیای کرامت انسانی، حضرت به مردم یاد می‌داد چگونه از حق‌شان دفاع کنند، انتقاد کنند و شأن و منزلت‌شان را در مقابل حاکمان متزلزل نکنند (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶).

همچنین زمانی که در مسیر حرکت امام (علیه السلام) به شام، کشاورزان و دهبانان شهر «انبار» با او ملاقات کردند (و به عنوان احترام) از مرکب پیاده شده و با سرعت پیش روی او حرکت کردند، امام (علیه السلام) آنها را از این کار منع کرد و گوشزد کرد که باید احترام و شخصیت خودشان را حفظ کنند (نهج البلاغه، حکمت ۳۷). در جایی دیگر نیز کسی برای ادای احترام پیاده همراه امام (علیه السلام) حرکت می‌کرد در حالی که امام سوار بر مرکب بود، امام (علیه السلام)

به او فرمود: «اِزْجِعْ، فَإِنَّ مَشَىٰ مِثْلِكَ مَعَ مِثْلِي فِتْنَةٌ لِلْوَالِي وَمَدْلَةٌ لِلْمُؤْمِنِ» (نهج البلاغه، حکمت ۳۲۲)؛ باز گرد، زیرا پیاده حرکت کردن شخصی مانند تو در رکاب مثل من، مایه‌ی فتنه و غرور بر والی و ذلت و خواری برای مؤمن است.

حضرت برای حفظ کرامت مردم به حاکمان دستور می‌دهد در مقابل مردم آمرانه عمل نکنند و این امر را باعث فساد دل و ایمان و از بین رفتن حاکمیت می‌داند. می‌فرماید: «وَلَا تَقُولَنَّ: إِنِّي مُؤَمَّرٌ أَمْرٌ فَأُطَاعُ، فَإِنَّ ذَلِكَ إِذْغَالٌ فِي الْقَلْبِ، وَمَنْهَكَةٌ لِلدِّينِ، وَتَقَرُّبٌ مِنَ الْغَيْرِ» (نهج البلاغه، نامه ۵۳)؛ هرگز مگو من امیرم؛ امر می‌کنم و از من اطاعت می‌شود که این، موجب دخول فساد در دل تو و ضعف و خرابی دین و نزدیک شدن دگرگونی‌ها (در قدرت تو) است.

## ۲-۲. عمل به سیره‌ی رحمانی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

علی (علیه السلام) مرید و مطیع پیامبر (صلی الله علیه و آله) و بیش از همه پیرو منش و روش آن حضرت بود. اعمال و رفتار حضرت از آغاز با الگوگیری از رسول خدا همراه بود. همان‌گونه که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) رحمت برای جهانیان بود و اصلی‌ترین هدف رسالتش، استقرار امنیت و مسالمت بین همه جوامع بشری است، امام نیز در سخنان خود به طور مؤکد اشاره به عمل به کتاب خدا و سنت رسول (صلی الله علیه و آله) دارد و یکی از وظایف «امام» را احیای سنت رسول خدا می‌داند (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۵). در یکی از نخستین خطبه‌هایش فرمود: «وإني حاملكم علي منهج نبیکم» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ ق، ج ۷: ۳۶). من سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را در میان شما پیاده خواهم کرد. لذا مبنای تمام عملکرد و نیز سیاست‌های اصلاحی آن حضرت در دوران حاکمیتش، به دلیل وفاداری ایشان به سنت رسول خدا بود.

روش حضرت در مسائل جنگ و تقسیم غنایم و بیت‌المال نیز همچون روش و شیوه‌ی رسول خدا بود. از جمله؛ پس از پایان جنگ جمل و به هنگام تقسیم غنایم جنگی، وقتی کسی اعتراض کرد که چرا اموال مردم بصره را به غنیمت نگرفتیم؛ حضرت فرمود: من چنان کردم که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پس از فتح مکه انجام داد، من قدم بر جای قدم پیامبر

گذاردم (خُر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱: ۲۵؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۲۵۰). مؤلف الغارات می‌گوید: علی (علیه السلام) هر روز جمعه بیت المال را جاروب می‌کرد و آب می‌پاشید، سپس دو رکعت نماز به جای می‌آورد و می‌گفت: شما دو تا در روز قیامت در حق من شهادت دهید. همچنین می‌گوید: ضحاک بن مزاحم از علی (علیه السلام) روایت کرد که گفت: محبوب من رسول خدا ﷺ چیزی برای فردا ذخیره نمی‌کرد. من هم، چنان می‌کنم که محبوبم رسول الله ﷺ می‌کرد (ثقفی، ۱۳۷۱: ۳۴).

به گفته برخی از صحابه، بسیاری از اعمال علی (علیه السلام) شبیه عمل رسول اکرم بود از جمله نماز خواندن آن حضرت (بالذری، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۱۸۰). ابو موسی اشعری نیز که در بدو ورود امام به کوفه، پشت سر امام نماز خواند گفت: «ذکرنا علی بن ابی طالب صلاة النبى ﷺ»؛ علی (علیه السلام) با نماز خود ما را به یاد نماز پیامبر ﷺ انداخت (امینی، ۱۴۱۶ق، ج ۹: ۶۶). همچنین از اصحاب جمل بیان شده: روز جمل علی (علیه السلام) نمازی خواند که ما را به یاد نماز خواندن رسول خدا انداخت (شوشتری، ۱۴۰۹ق، ج ۳: ۱۴۷). امام (علیه السلام) که عاشق پیامبر و روش و منش آن بزرگوار بود، در آخرین روزهای عمر مبارکش دو نکته را به عنوان وصیت خود تأکید می‌کند. یکی شَرک نورزیدن به خدا و دیگری: ضایع نکردن سنت پیامبر اکرم ﷺ، (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۹).

### ۲-۳. مطیع امر خدا و رسول

ممکن است این سؤال به ذهن متبادر شود که با وجودی که حضرت علی (علیه السلام) در صدر اسلام در جنگ‌های زیادی شرکت داشت و همچنین در زمان حاکمیت خود ایشان جنگ‌های سختی بین مسلمین اتفاق افتاد و بسیاری از افراد به دست او کشته شده‌اند، رویکرد مسالمت‌آمیز حضرت چگونه می‌تواند توجیه شود؟ باید گفت که حضرت علی (علیه السلام) در زمان رسول اکرم ﷺ به امر خدا و رسولش جنگ می‌کردند و شواهد و روایات زیادی وجود دارد که، جنگ‌هایی که در دوران حاکمیت امام (علیه السلام) نیز اتفاق افتاد، توسط پیامبر ﷺ پیش بینی شده بود و به دستور آن حضرت، علی (علیه السلام) مأمور به جنگیدن با ناکثین، مارقین و

قاسطین شده بود (ابن کثیر، ۱۴۰۷ق، ج ۷: ۳۰۶؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۲۴۵ و ج ۱۳: ۱۸۳). و پیامبر ﷺ اصحابش را به یاری امیرالمومنین در این جنگ‌ها ترغیب می‌کرد (متقی هندی ۱۴۰۵ق، ج ۱۱: ۳۵۲) و برخی را از اینکه در جبهه مخالف علی باشند برحذر می‌داشت (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۲۹۳). عمار یاسر می‌گوید: رسول خدا مرا امر کرد تا همراه علی (علیه السلام) با ناکتین و قاسطین و مارقین بجنگم (ابن کثیر، ۱۴۰۷ق، ج ۷: ۳۰۵ و ج ۷: ۳۳۹، حوادث سال ۳۷ق).

## ۲-۴. همکاری با خلفا نتیجه روحیه مسالمت‌آمیز

علی (علیه السلام) بعد از وفات رسول اکرم ﷺ و در زمان دوری از حاکمیت، برای تحکیم آرامش جامعه و حفظ مبانی و ارزش‌های اصیل اسلام، می‌کوشید وظیفه الهی و انسانی خود را در قالب راهنمایی دینی و مشاوره‌های نظامی، سیاسی، علمی، قضایی، اقتصادی خلفا، به انجام رساند. آن حضرت نمی‌توانست در برابر مشکلات و معضلاتی که دامن‌گیر اسلام و امت اسلامی شده بود و نظام دین و دینداری مسلمانان را به خطر انداخته بود، بی‌تفاوت بماند. به این سبب همواره مشکلات مردم و جامعه را رصد می‌کرد و از هیچ گونه راهنمایی و کمک برای اصلاح و بهبودی اوضاع مسلمین دریغ نمی‌ورزید. از جمله؛ اوایل خلافت ابوبکر در اعزام سپاه اسلام به فرماندهی اسامه، برای مقابله با رومیان از آن حضرت نظر خواهی کردند، امام ضمن تشویق خلیفه به این کار فرمودند: اگر به این کار اقدام کند، پیروز خواهد شد (یعقوبی، ج ۲: ۱۳۳).

همچنین پیشنهاد خیر خواهانه امام علی (علیه السلام) به خلیفه اول، زمانی که وی جهت نبرد با مرتدان مسلح، عازم نبرد شده بود حضرت علی (علیه السلام) او را از این تصمیم منصرف ساخت و گفت اگر خلیفه خود به جنگ آنان رفته، از منطقه خارج شود، نظم و انضباط هرگز به قلمرو جامعه اسلامی باز نخواهد گشت. ابوبکر نصیحت و پیشنهاد حضرت را پذیرفت و خالد بن ولید را به نبرد با اهل رده فرستاد (ابن کثیر، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ۳۱۵).

نیز در زمان خلیفه اول افرادی از دانشمندان یهودی و مسیحی می‌آمدند و پرسش‌های

علمی خود را از خلیفه مطرح می‌کردند. امام (علیه السلام) در جهت حفظ حرمت اسلام و کمک به خلیفه، به پرسش‌هایی که همگان در آن مانده بودند یا حکمی که راه بدان نمی‌بردند پاسخ می‌داد (مفید، ۱۴۱۳ ق: ۱۰۸).

حضرت در باره همکاری و همراهی با خلفا می‌فرماید: (ابوبکر) چون مرگش فرا رسید، خلافت را به عمر وا گذاشت باز هم ما بر آن رأی گوش نهادیم و اطاعت کردیم و از نیک خواهی و راهنمایی دریغ نکردیم (تقفی، ۱۳۷۱: ۱۱۱). عمر پیوسته در مشکلات و گرفتاری‌ها به علی (علیه السلام) مراجعه می‌کرد و از آن حضرت رأی درست و حل مشکلات را به دست می‌آورد. از جمله به ایشان خبر رسید که ایرانیان چندین برابر ارتش مسلمانان، نیرو بسیج کرده‌اند. او تصمیم گرفت تا شخصاً به منظور تقویت روحیه‌ی ارتش اسلامی در جنگ با ایرانیان شرکت کند. هنگامی که عمر با امام در آن باره مشورت کرد، امام طی بیاناتی او را نهی کرد و فرمود: موقعیت زامدار مانند رشته است که مهره‌ها را جمع می‌کند و ارتباط می‌بخشد، اگر رشته از هم بگسلد، مهره‌ها پراکنده می‌شوند، تو همچون قطب آسیاب باش، که اگر تو آسیب ببینی سپاه اسلام از بین می‌رود (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۶).

همچنین زمانی که خلیفه دوم قصد رفتن به جنگ با رومیان را دارد، با حضرت علی (علیه السلام) در این باره مشورت می‌کند و امام او را از رفتن به جنگ باز می‌دارد و می‌فرماید: اگر تو در میدان نبرد با آنها رو به روشوی و مغلوب گردی، پناهگاهی برای مسلمین در شهرهای دور دست باقی نمی‌ماند بنابراین، مرد جنگ‌آموده‌ای را به سوی آنها بفرست، اگر خداوند پیروزی نصیب کند همان است که تو می‌خواهی و اگر شکل دیگری رخ داد، تو پشتیبان مردم و پناهگاه مسلمین خواهی بود (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۴).

در فتح بیت المقدس نیز زمانی که ابوعبیده بن جراح فرمانده سپاه اسلام در دمشق از خلیفه نظر خواست که برای فتح بیت المقدس، ابتدا قیساریه را فتح کند یا به طرف بیت المقدس هجوم برد عمر بعد از مشورت با اصحاب از علی (علیه السلام) مشورت خواست و در باره پیشروی به سوی بیت المقدس از آن حضرت نظر خواست. امام (علیه السلام) عمر را تشویق کرد که به فرمانده سپاه دستور دهد که به سوی بیت المقدس پیشروی کند و پس از فتح آن،

قیساریه را فتح کند. بعد از محاصره آن منطقه، مردم آنجا اظهار داشتند در صورتی تسلیم خواهند شد و قرارداد جزیه را متحمل خواهند شد که، خلیفه خود به آنجا بیاید. خلیفه با اصحاب مشورت کرد. بسیاری او را از رفتن به آنجا بازداشتند؛ اما حضرت علی (علیه السلام) خلیفه را تشویق به رفتن کرد و از فواید و اثرات رفتن او به آنجا و اجر و پاداش الهی و فتح و پیروزی خبر داد (قائدان، ۱۳۸۰: ۱۱۲). در جنگ خراسان نیز، امام علی (علیه السلام) ویژگی‌ها و امتیازات یک یک شهرهای خراسان را برشمرد و خلیفه دوم را به فتح آن جا تشویق کرد (ابن اعثم، ۱۹۹۱م، ج ۲: ۷۸). همچنین گاهی مواقع که خلیفه دوم مدینه را برای انجام اموری ترک می‌کرد، از علی (علیه السلام) می‌خواست به جای او شهر را اداره کند و حضرت به خاطر حفظ وحدت و مسالمت و امنیت مردم پیشنهادش را قبول می‌کرد (همان، ج ۱: ۲۲۵).

در شورای شش نفری که عمر بعد از خودش ترتیب داده بود و به وسیله عبدالرحمن زمینه خلیفه شدن عثمان را قطعی کرده بود، حضرت علی (علیه السلام) برای حفظ مصالح اسلام بیعت کرد و عملاً جلو اختلاف مردم را گرفت و خطاب به اعضای شورا فرمود: «شما خوب می‌دانید که من از هر کس، به این امر (خلافت) شایسته‌ترم ولی تا هنگامی که اوضاع مسلمین روبه‌راه باشد و تنها به من ستم شود، سکوت اختیار می‌کنم» (نهج البلاغه، خطبه ۷۴). همچنین پیش از ورد به جلسه شوری، عباس عمومی پیامبر ﷺ از علی (علیه السلام) می‌خواهد در جلسه حضور نیابد؛ زیرا نتیجه آن را که عثمان انتخاب خواهد شد، به طور قطع می‌دانست. امام (علیه السلام) ضمن تأیید عباس در مورد نتیجه آن جلسه، پیشنهاد وی را رد کرد و فرمود: «انی اکره الخلاف» من اختلاف را دوست ندارم (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۱۹۱).

امام علی (علیه السلام) در زمان حکومت عثمان در موارد زیادی، برای اصلاح امور جامعه و ایجاد مسالمت و پیش‌گیری از هرج و مرج، با خلیفه همکاری زیادی کردند. خلیفه به علت سپردن پست‌های حساس به بنی‌امیه و مسلط ساختن افراد ناشایست بر مسلمانان و حیف و میل بسیار زیاد بیت‌المال و بذل و بخشش‌های فراوان، باعث شده بود بین اکثر مردم نارضایتی ایجاد شود طوری که بارها علیه خلیفه اقدام به شورش کردند و هر بار علی (علیه السلام) میانجی می‌شد و مردم را آرام می‌کرد (شهیدی، ۱۳۷۸: ۵۴). با گسترش

اعتراضات مردمی، عثمان گاهی وجود امام را در مدینه برای خودش خطری احساس می‌کرد و از او می‌خواست تا برای مدتی مدینه را ترک گوید؛ ولی هرگاه کار برایش سخت می‌شد از امام می‌خواست تا برای کمک به او بازگردد. حضرت در این رابطه می‌فرماید: خلیفه مرا همچون شتر آبکش قرارداد؛ گاهی می‌گوید بیا و گاهی می‌گوید بازگرد، به خدا سوگند من آن قدر از عثمان دفاع کردم که ترسیدم گنه‌کار باشم» (نهج البلاغه، خطبه ۲۴۰).

در جریان محاصره‌ی عثمان نهایت همکاری حضرت علی (علیه السلام) با خلیفه و جلوگیری از قتل ایشان مشهود است. در شرایطی که دوستان خلیفه و کسانی که با عنایت او به مناسبتی رسیده بودند او را تنها گذاشتند، در چنین شرایطی تنها امام علی (علیه السلام) بود که به یاری عثمان شتافت. هنگامی که به امام علی (علیه السلام) خبر می‌رسد مردم تصمیم گرفته‌اند عثمان را بکشند، حضرت فرزندان خود را دستور می‌دهد «شمشیرهای خود را بردارند و از خانه‌ی عثمان محافظت کنند و اجازه ندهند کسی به خلیفه تعرض نماید» (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۶: ۱۸۵). فرزندان امام علی (علیه السلام)، خود را به خانه عثمان رساندند و با متعرضان درگیر شدند طوری که سر و صورتشان خونین شد و سر قنبر، غلام امام علی (علیه السلام) نیز به شدت جراحت برداشت (مسعودی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۳۴۸). این‌ها مصادیقی از اندیشه مسالمت جوی و رویکرد مسالمت‌آمیز حضرت در زمان حاکمیت خلفا بود.

### ۳. رویکردهای مسالمت‌آمیز

از دید امام علی (علیه السلام) هر کاری که منجر به خشونت و خون‌ریزی شود، بر خلاف خواست و مقررات اسلام است، به همین دلیل به فرزندش امام حسن (علیه السلام) فرمود: «لَا تَدْعُونَ إِلَيَّ مُبَارَزَةً وَإِنْ دُعِيتَ إِلَيْهَا فَأَجِبْ فَإِنَّ الدَّاعِيَ إِلَيْهَا بَاغٍ وَالْبَاغِيَ مَضْرُوعٌ» (نهج البلاغه، حکمت ۲۳۳)؛ هرگز دعوت به مبارزه نکن، اما اگر تو را به مبارزه خواندند بپذیر، زیرا ستیزه‌جو، ستمکار است و ستمکار مغلوب است. همچنین امام در سفارش به معقل بن قیس ریاحی موقعی که او را با سه هزار نفر به عنوان مقدمه لشکر خود به سوی شام فرستاد، فرمود: «وَلَا تَقَاتِلَنَّ إِلَّا مَنْ قَاتَلَكَ... وَلَا يَحْمِلَنَّكُمْ سَنَانَهُمْ عَلَيَّ قِتَالِهِمْ قَبْلَ دُعَائِهِمْ وَ

الْإِعْذَارِ إِلَيْهِمْ» (همان، نامه ۱۲): جنگ مکن مگر با کسی که با تو بجنگد و نباید دشمنی با آنها شما را وادار به جنگ با آنان کند پیش از آن که ایشان را به سوی حق بخوانید و با آنها، اتمام حجت کنید.

حضرت توجه ویژه به حرمت خون انسان‌ها دارد و مؤکداً بارها با تعبیرات متعددی از این امر نهی می‌کند. می‌فرماید: «از ریختن خونِ ناحق شدیداً پرهیز، زیرا هیچ چیز در نزدیک ساختن انتقام الهی و مجازاتِ شدیدتر و سرعتِ زوالِ نعمت و پایان بخشیدن به حکومت‌ها، همچون ریختن خونِ ناحق نیست (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

حضرت همواره و در همه‌ی مبارزات، ضمن رعایت موازین الهی و دوری از جنگ و خشونت، پایبند به حدود و مقرراتی بودند از جمله:

### ۳-۱. شروع نکردن جنگ.

حضرت هیچگاه شروع کننده جنگی نبودند. در تاریخ مبارزات ایشان نه تنها جایی که نشان از آغازگری جنگ توسط حضرت باشد وجود ندارد، بلکه حضرت همواره به سربازان و یاران خود نیز تأکید می‌کرد که هرگز آغاز به نبرد نکنند (نهج البلاغه، نامه ۱۴). ابن میثم می‌گوید: این سفارشی بود که امام (علیه السلام) برای تمام صحنه‌های جنگ بیان می‌فرمود و همه جا بر آن تأکید می‌کرد (ابن میثم، ۱۳۷۵، ج ۴: ۶۵۷). در نگاه حضرت جنگ و تجاوز، ظلم است و آغازگری به ظلم، حسرت ابدی در پی خواهد داشت (نهج البلاغه، حکمت ۱۸۶).

### ۳-۲. پرهیز از مبارزه طلبی

امام علی (علیه السلام) در هیچ جنگی دعوت به مبارزه نمی‌کرد و به این امر سفارش می‌کرد (نهج البلاغه، حکمت ۲۳۳).

### ۳-۳. اجبار نکردن به جنگ

بر خلاف رویه غالب فرمانروایان، امام (علیه السلام) هرگز با اجبار کسی را به جنگ فرا نخواند، من جمله در هنگام فتنه جمل، در مسیر خود به سوی بصره نامه‌ای به مردم کوفه نوشت و آنان را از فتنه آگاه کرد و فرمود: در این امر تأمل کنید اگر حق با من است یاری ام کنید و اگر این طور نیست مرا از این امر بازدارید (نهج البلاغه، نامه ۵۷).

### ۳-۴. به تأخیر انداختن جنگ

امام (علیه السلام) در هیچ جنگی با عجله اقدام نکرد؛ بلکه تلاش حضرت، روشنگری و گفتگو با طرف مقابل و جلوگیری از ایجاد جنگ بود. امام (علیه السلام) تا می‌توانست جنگ را به تأخیر می‌انداخت طوری که گاهی مورد اعتراض برخی یاران خود واقع می‌شد. از جمله قبل از شروع جنگ صفین، بعد از این که ماجرای آب به نفع یاران امام (علیه السلام) تمام شد، مدت زیادی امام (علیه السلام) منتظر بود و با نامه‌ها و سفیرانی سعی داشت معاویه به راه بیاید و شامیان حق را بیابند. در این مدت برخی از افراد گمان می‌کردند که حضرت از شروع جنگ هراس دارد و یا در باره شامیان به شک افتاده است. وقتی این موضوع به گوش امام (علیه السلام) رسید، فرمود: به خدا سوگند من اگر هر روز جنگ را به تأخیر می‌اندازم به خاطر آن است که امیدوارم گروهی از آنان به ما بپیوندند و هدایت شوند (نهج البلاغه، خطبه ۵۵). ابن ابی الحدید در ذیل این خطبه می‌نویسد: از ثمرات این تأخیر همان گونه که در تاریخ آمده، گروه کثیری از شامیان توبه کردند و به سوی لشکر امام بازگشتند یا از جنگ کناره‌گیری کردند.

### ۳-۵. اقامه حجت قبل از جنگ

حضرت علی (علیه السلام) قبل از شروع شدن هر جنگی اقامه‌ی حجت می‌کردند. هدف امام در جنگ نابودی طرف مقابل نبود بلکه نهایت تلاش‌شان، هدایت طرف مقابل بود و جنگ در صورت بن‌بست همه راه‌های مسالمت‌آمیز دیگر مجاز می‌شد. از این رو، او هرگز از

روشنگری دشمن دست نمی‌کشید و برای هدایت آنان، هیچ فرصتی را از دست نمی‌داد. امام همچنین، در اوج شعله‌وری جنگ نیز به هدایت دشمن می‌پرداخت و مکرر، اقامه حجت می‌کرد تا جنگی صورت نگیرد. از جمله؛ در جنگ صفین، پیش از آغاز نبرد، امام (علیه السلام) برای اتمام حجت، روبه‌سربازان خود کرد و فرمود: کیست که این قرآن را بگیرد و شامیان را به آن دعوت کند؟ در این هنگام جوانی به نام سعید بلند شد و اعلام آمادگی کرد. امام (علیه السلام) بار دیگر سخن خود را تکرار کرد و باز همان جوان از جای برخاست و گفت: من ای امیر مؤمنان. آن‌گاه علی (علیه السلام) قرآن را به او داد. او به سوی سپاه معاویه رفت و آنان را به کتاب خدا و عمل به آن دعوت کرد؛ ولی طولی نکشید که او را به شهادت رساندند (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۵: ۱۹۶).

### ۳-۶. راز و نیاز با خدا قبل از جنگ

امام (علیه السلام) قبل از شروع به جنگ، با خدا راز و نیاز می‌کرد. معمولاً نظر امام (علیه السلام) بر این بوده است که جهاد را به عنوان عبادتی خالص برای خدا انجام دهد (ابن میثم، ۱۳۷۵، ج ۴: ۶۶۲). نصر بن مزاحم می‌گوید: حضرت علی (علیه السلام) هنگام رفتن به جنگ، دست‌هایش را بالا می‌برد و می‌گفت: پروردگارا! اگر ما را بر دشمن خود پیروز فرمودی ما را از ستم بازدار و گام‌های مان را برای حق استوار گردان و اگر آنان بر ما پیروز شدند شهادت را نصیب ما فرما و باقیمانده یارانمان را از فتنه حفظ کن (ابن مزاحم، ۱۴۰۴ق: ۲۳۲).

### ۳-۷. کشاندن جنگ به غروب آفتاب

در هر جنگی امام تلاش می‌کرد جنگ تا غروب آفتاب به تأخیر بیفتد. حضرت از هر راهی و با هر تمهیدی می‌کوشید تا جنگ اتفاق نیفتد و در صورتی که به ناچار جنگی صورت گیرد، کم‌ترین ضایعه را داشته باشد و کسان اندکی کشته شوند. لذا می‌کوشید تا نبرد، بعد از ظهر آغاز شود، تا با فرارسیدن شب، جنگ متوقف و خون کمتری ریخته شود و فراریان بتوانند از صحنه بگریزند. در روایتی آمده است که: حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) نمی‌جنگید

تا زمانی که آفتاب رو به زوال می‌رفت و می‌فرمود: این زمانی است که درهای رحمت آسمان باز می‌شود و پیروزی به بار می‌آورد و چون نزدیک به شب است افراد کمتری کشته می‌شوند و کسانی که بخواهند می‌توانند برگردند و فراریان می‌توانند از صحنه بگریزند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۵، ج ۲۸).

### ۳-۸. رفتار نیک با بازماندگان دشمن

سفارش امام به رفتار درست و شایسته با بازماندگان دشمن یکی دیگر از اوصاف کریمه امام و از دلائل رویکرد مسالمت‌آمیز آن حضرت در جنگ بود. امام علی (علیه السلام) قبل از شروع هر جنگی به یارانش سفارش می‌کرد در صورتی که بر دشمن پیروز شدید، با مجروحان، اسیران و بازماندگان سپاه دشمن، به‌ویژه با زنان، نهایت خوش‌رفتاری را داشته باشید (نهج البلاغه، نامه ۱۴). این موارد، مصادیق و دلایلی هست بر رویکرد مسالمت‌آمیز حضرت علی (علیه السلام) در جنگ‌ها.

### ۴. نتیجه‌گیری

۱. حضرت علی (علیه السلام) از کودکی در دامان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بزرگ شد و در نوجوانی و جوانی همراه و یاور ایشان بود. بعد از هجرت پیامبر به مدینه، جنگ‌ها و برخوردهای زیادی بین مسلمین و مشرکین بوجود آمد که حضرت علی (علیه السلام) در دفاع از اسلام و برخورد با متجاوزین و ظالمین در بسیاری از غزوات و سریه‌ها شرکت داشت. اما در تمام این جنگ‌ها هیچ‌گونه رفتار غیر انسانی و غیر اخلاقی از حضرت مشاهده نشده و هیچگاه حمله ناخوانمردانه و غافلگیرانه و یا حتی شروع به جنگی از طرف حضرت صورت نگرفته است.

۲. بعد از وفات پیامبر (صلی الله علیه و آله) و کنار گذاشته شدن امام از صحنه‌ی حکومت، حضرت برای حفظ اسلام و وحدت امت اسلامی و آرامش جامعه، نه تنها برای به دست گرفتن حکومت به مقابله با خلفا نپرداخت، بلکه به خاطر حفظ مسالمت، سکوت کردند و بعد از اثبات

حقانیت خویش، در کمال دلسوزی و فداکاری آنجا که منافع اسلام و مردم در کار بود، با خلفا همکاری می‌کرد و به آنها مشاوره می‌دادند.

۳. حضرت علی (علیه السلام) در جنگ‌های زمان رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) به امر خدا و رسولش جنگ می‌کردند و شواهد و روایات زیادی وجود دارد که جنگ‌هایی که در دوران حاکمیت امام (علیه السلام) نیز اتفاق افتاد، توسط پیامبر (صلی الله علیه و آله) پیش بینی شده بود و به دستور آن حضرت، علی (علیه السلام) مأمور به جنگیدن با ناکثین، مارقین و قاسطین شده بود.

۴. جنگ‌هایی که در زمان حکومت حضرت اتفاق افتاد، بر ایشان تحمیل شد در حالیکه حضرت بسیار تلاش می‌کرد اوضاع با مسالمت خاتمه یابد و جنگی صورت نگیرد و خونی ریخته نشود.

۵. در یک نگاه کلی، سیاست نظامی امام علی (علیه السلام) سیاستی مستحکم که بر مبنای هدفی متعالی استوار بود، یعنی؛ «معیار حق و رضای خداوند». در واقع، سیاست جنگی حضرت، سیاستی بر مبنای حفظ کرامت انسان و ایجاد مسالمت و آرامش در جامعه‌ی بشری بوده، طوری که در آن ستمی واقع نشود و حقی ضایع نگردد.

## منابع و مآخذ

- نهج البلاغه، (بی تا). تحقیق: صحیحی صالح. قم: مؤسسه دارالهیجره.
- ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة الله. (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغه. محقق: ابراهیم، محمد ابوالفضل. قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- ابن اعثم الکوفی، أبو محمد أحمد. (۱۹۹۱م). الفتوح. تحقیق: علی شیری. بیروت: دارالأضواء.
- ابن فارس، أحمد. (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغه. محقق / مصحح: هارون محمد عبد السلام. قم: مکتبه الاعلام الاسلامی.
- ابن قتیبه، أبو محمد عبد الله بن مسلم. (۱۴۱۰ق). الإمامة والسیاسة. معروف به تاریخ الخلفاء. تحقیق: علی شیری. بیروت: دارالأضواء.
- ابن کثیر، أبو الفداء اسماعیل بن عمر بن کثیر الدمشقی. (۱۴۰۷ق). البداية والنهاية. بیروت: دار الفکر.
- ابن مزاحم، نصر. (۱۴۰۴ق). وقعة صفین. محقق: هارون محمد عبد السلام. قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- ابن میثم، علی بن میثم بحرانی. (۱۳۷۵). شرح نهج البلاغه. ترجمه: قربانعلی محمدی مقدم، علی اصغر نوابی یحیی زاده. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- اسلامی، روح الله؛ بهرامی عین القاضی، وحید. (۱۳۹۳). «پدیدارشناسی تکنیک‌های امام علی (علیه السلام) برای صلح». جستارهای سیاسی معاصر. سال پنجم. شماره سوم. صص: ۱-۱۷.
- امینی، عبدالحسین. (۱۴۱۶ق). الغدير فی الكتاب والسنة والادب. قم: مرکز الغدير للدراسات الاسلامیه.
- بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر. (۱۴۱۷ق). انساب الاشراف. تحقیق: سهیل زرکار و ریاض زرکلی. بیروت: دارالفکر.
- ثقفی، ابواسحاق ابوالقاسم ابراهیم بن محمد. (۱۳۷۱). الغارات. ترجمه عبدالمحمد آیتی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. سازمان چاپ و انتشارات.
- بحر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة. قم: مؤسسه آل‌البتیت.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۸۵). فرهنگ متوسط. با نظارت جعفر شهیدی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شمس‌الدین، محمد مهدی. (۱۳۶۴). السلم و قضایا الحرب عند الامام علی (علیه السلام) در آیه الله المرعشی النجفی. ترجمه بنیاد نهج البلاغه. تهران: بنیاد نهج البلاغه.
- شوشتری، نورالله. (۱۴۰۹ق). احقاق الحق وازهاق الباطل. قم: المکتبه آیه الله المرعشی.
- قائدان، اصغر. (۱۳۸۰). تحلیلی بر مواضع سیاسی علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) پس از رحلت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) تا قتل عثمان بن عفان. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- الطبری، أبو جعفر محمد بن جریر. (۱۳۸۷ق). تاریخ الأمم والملوک (تاریخ الطبری). تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم. بیروت: دار التراث.
- لثی واسطی، علی بن محمد. (۱۳۷۶). عیون الحکم و الموعظ. محقق / مصحح: حسین حسنی بیرجندی. قم: دار الحدیث.
- متقی هندی، علاء‌الدین علی بن حسام. (۱۴۰۵ق). کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال. بیروت: مؤسسه الرساله.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

- محسنی، محمد سالم. (۱۴۰۰). «شرایط صلح از دیدگاه امام علی (علیه السلام)». پژوهشنامه علوی. شهریور ۱۴۰۰. دوره ۱۲. شماره ۲۳. صص: ۲۷۷-۲۹۰.
- محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۹۰). سیاست‌نامه امام علی (علیه السلام). ترجمه مهدی مهریزی. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
- مسعودی، أبو الحسن علی بن الحسین. (۱۳۷۴). مروج الذهب و معادن الجواهر. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ ق). الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد. قم: کنگره شیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۸۶). پیام امام. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ملاحاهی زارع، عیسی؛ امین ناجی، محمدهادی؛ میردامادی، سید محمد. (۱۳۹۷). «صلح گرای امام علی (علیه السلام) نقد و بررسی (با تکیه بر نهج البلاغه)». پژوهش‌های نهج البلاغه. شماره ۵۸. دوره ۱۷. صص: ۱۵۱-۱۷۰.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب بن جعفر. (بی تا). تاریخ یعقوبی. بیروت: دار صادر.
- یوسف، نورالدین علی. (۱۴۲۳ ق). «حرب و السلم فی فکر الامام علی (علیه السلام)». آفاق الحضاره الاسلامیه. شماره ۱۰. صص: ۸۷-۱۱۴.